



شهادت امام سجاد

حضرت **علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)**، ملقب به زین‌العابدین و سجاد، چهارمین امام شیعیان است که به مدت ۳۵ سال در دوران خلفای اموی، امامت کردند. امام سجاد (علیه‌السلام) در **واقعه کربلا** حضور داشت ولی به علت بیماری سخت، در جنگ شرکت نکرد. بنابر روایت شیعیان، امام سجاد (علیه‌السلام) به دستور **ولید بن عبدالملک** مسموم شد و به شهادت رسید. در روز و سال وفات و شهادت حضرت اختلاف است. دامنه این اختلاف از سال ۹۲ هجری تا سال ۱۰۰ هجری را شامل می‌شود. اما آنچه از همه مشهورتر است یکی سال ۹۴ هجری است که آن را به مناسبت ارتحال فقهای بیشماری از اهل مدینه، سنه الفقهاء نامیده‌اند و دیگری سال ۹۵ هجری می‌باشد. مدفن ایشان در **قبرستان بقیع** کنار قبر امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، امام محمد باقر (علیه‌السلام) و امام جعفر صادق (علیه‌السلام) قرار دارد.

فهرست مندرجات

- ۱ - مسمومیت و شهادت امام سجاد
- ۲ - تاریخ شهادت
- ۳ - آخرین شب حضرت
- ۴ - لحظات آخر حیات
- ۵ - قاتل
- ۶ - تشییع جنازه حضرت
- ۷ - مدفن
- ۸ - وصیت
- ۹ - بانویس
- ۱۰ - منبع

مسمومیت و شهادت امام سجاد

امام **زین‌العابدین (علیه‌السلام)** که خبر محض، طهارت، قداست، نکاء صرف، صلابت، فراست شجاعت مطلق خدمت و دلسوزی و خیرخواهی کامل برای جامعه اسلامی و در یک کلمه مجمع الفضائل و الکمالات بودند، پس از گذران یک عمر پر برکت که در حساس‌ترین مقطع **تاریخ اسلام** واقع شده بود و با انجام افتخارآمیز و وظایف خطیر امامت با همه دردها و مشقت‌ها و غربت‌ها و با مشاهده طلوع اولین ثمرات با برکت مجاهدات طاقت‌فرسای خود و به بار نشستن تمامی برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت که با سیاست الهی خود طراحی نموده بودند، سرانجام به دست دستگاه اموی با مدیریت ثمره مروانی، **ولید بن عبدالملک** مسموم شده و به **شهادت** رسیدند. حضرت که وجودش خاری بود در چشم نظام حاکم، با روشن شدن آثار وجودی آن بزرگوار که کاملاً نظام اموی را غافلگیر کرده بود، توسط سردمداران این نظام مسموم گردیدند و با رفتن خود، خاکبان را در سوگ خود گذاشتند ولی آثار وجودی آن بنده برگزیده حق تا زمین و زمان به وجود ادامه می‌دهند، پا برجاست و هر سالک و عارفی که خواهان وصل حضرت دوست است، چاره‌ای جز نوشیدن از ماء منبع آثار معنوی و عرفانی آن عارف بزرگ نداشته و بویژه زمزمه نمودن مناجات‌های عاشقانه و عارفانه آن حضرت، برای همه طالبان **کمال**، شفابخش و آرامبخش خواهد بود.

تاریخ شهادت

همچنانکه در زاد روز تولد حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) اختلاف گسترده‌ای در بین مورخین موجود است، در روز و سال وفات و شهادت حضرت نیز اختلاف است. دامنه این اختلاف از سال ۹۲ هجری تا سال ۱۰۰ هجری را شامل می‌شود. اما آنچه از همه مشهورتر است یکی سال ۹۴ هجری است که آن را به مناسبت ارتحال فقهای بیشماری از اهل مدینه، سنه الفقهاء نامیده‌اند.

[۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، ح ۱۰، به نقل از کشف الغمه.

[۲] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.

[۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۴، ح ۱۷، به نقل از تنکرة الخالص.

[۴] سبط بن جوزی، یوسف بن حسام‌الدین، تنکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۹۸.

و دیگری سال ۹۵ هجری می‌باشد.

حسین فرزند امام علی بن حسین (علیه‌السلام) وفات پدر خود را در سال ۹۴ اعلام کرده است.

[۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، ح ۱۰.

و بر این اسلس بزرگانی نظیر **شیخ مفید** در **الارشاد**

[۱۶] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹.

و شیخ طوسی در المصباح

[۱۷] طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجب، ص ۷۸۷.

[۱۸] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳.

و محقق اربلی در کشف الغمه

[۱۹] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.

[۲۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱.

و ابن اثیر در الکامل

[۲۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، ج ۱۴.

[۲۲] ابن اثیر، عزالدین، الکامل، ج ۴، ص ۲۳۸.

به همین نظر اعتقاد داشته‌اند.

اما بر اساس روایتی که **ابو بصیر** از **حضرت صادق (علیه السلام)** نقل کرده است حضرت فرمودند: قبض علی بن حسین (علیه السلام) و هو ابن سبع و خمسين سنة، فی عام خمس و تسعين، عاش بعد الحسين خمسا و ثلاثين سنة.

[۲۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، ج ۱۴، به نقل از اصول کافی.

[۲۴] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۸.

حضرت علی بن حسین (علیه السلام) در حالی که ۵۷ ساله بودند قبض روح شده و این واقعه در سال ۹۵ هجری اتفاق افتاد، و حضرت بعد از پدر بزرگوارشان ۳۵ سال زندگی کردند. بر اساس این روایت شریف سال وفات حضرت ۹۵ هجری می‌باشد و این قول نیز از شهرت بسیار زیادی برخوردار است.

اما در زمینه روز ارتحال حضرت: ۱۸ **محرم**، ۲۲ محرم و ۲۵ محرم نقل شده که روز ۲۵ از شهرت بیشتری برخوردار است

[۲۵] امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۹.

[۲۶] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.

و شیخ کفعمی در المصباح

[۲۷] کفعمی، ابی ابراهیم، المصباح، ص ۵۰۹.

[۲۸] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲.

خود و شیخ طوسی نیز در المصباح

[۲۹] طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجب، ص ۷۸۷.

[۳۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳.

خود آن را اختیار کرده‌اند.

نظر به اختلافی که از یک سو در سالروز تولد حضرت و از سوی دیگر در سال ارتحال آن بزرگوار وجود دارد، در سن مبارک آن حضرت در موقع شهادت نیز اختلاف شده است. عده‌ای آن را ۵۷ سال، عده‌ای دیگر ۵۸ و گروهی ۵۹ سال ذکر کرده‌اند. ولی نظر به آنچه ما در تولد حضرت (سال ۳۸ هجری) و ارتحال ایشان (۹۵ هجری) اختیار کردیم و نظر مشهور نیز چنین است، سن مبارک حضرت در موقع شهادت ۵۷ بوده است که دو سال آن را در زمان **امیر المؤمنین (علیه السلام)**، ده سال در زمان عموی خود **حضرت امام حسن (علیه السلام)**، ده سال در زمان امامت پدر خود زیسته‌اند و ۳۵ سال هم مدت امامت حضرت بوده است.

آخرین شب حضرت

آنچه در اسناد موجود در زمینه کیفیت سپری شدن آخرین شب از زندگانی حضرت سجاد (علیه السلام) نقل شده است، اولاً طلبیدن آبی برای وضو است. ثانیاً توصیه مراعات ناهه و شتری که با آن به حج می‌رفتند. و ثالثاً آوردن آبی نزد حضرت برای آشامیدن و خبر دادن آن بزرگوار که امشب شبی است که به من وعده داده شده تا به **لقاء حق** نائل آیم. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چون شبی که حضرت علی بن حسین (علیه السلام) وعده دیدار دریافت کرده بودند فرا رسید، به فرزندش محمد فرمود: ای پسرکم برایم آب وضو بیاور. حضرت محمد باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: بلند شدم و آب وضو آوردم پدرم فرمود: این آب برای وضو شایسته نیست. چرا که در آن چیزی مرده وجود دارد. حضرت محمدباقر (علیه السلام) می‌فرمایند: من چراغ آوردم و دیده شد که در آن موشی مرده افتاده است. از این رو آب وضو دیگری را برایشان آوردم. آنگاه فرمود: پسر من این شبی است که به آن وعده داده شده‌ام. سپس در زمینه مراعات حال ناهه خود توصیه‌هایی نمودند که مبدا چیزی که او را در سختی می‌اندازد بر او تحمیل گردد (بودن در طویله و یا بستن بند محمل) و اینکه آتوقه او را به او بدهند.

[۳۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۸، ج ۴، به نقل از اختصاص و بصائر الدرجت.

[۳۲] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجت، ج ۱، ص ۴۸۳.

[۳۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۹، ج ۷، به نقل از خرائج.

[۳۴] راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۷۳.

(در ادامه روایت کیفیت برخورد ناهه حضرت پس از **مرگ** آن بزرگوار با **قیر** حضرت است که به صورت مفصل تحت عنوان ارتباط و برخورد حضرت با حیوانات بیان شده است.) از امام باقر (علیه السلام) هم روایت شده است که در شبی که حضرت علی بن حسین (علیه السلام) قبض روح شدند، نوشیدنی برای حضرت آورده شد، و به ایشان گفته شد: بیاشام حضرت هم فرمود: این همان شبی است که به آن وعده شده‌ام تا در آن **قبض روح** کنم.

[۳۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۹، ج ۷، به نقل از الخرائج.

به هر حال از مجموع این روایت به دست می‌آید حضرت علاوه بر توصیه به مراعات حال شتر خود که بارها با آن به حج مشرف شده بودند، آبی برای وضو طلبیده تا وضو بگیرند و با عمل غیب خود متوجه نجس بودن آن آب شده و بالاخره با آب طاهر دیگری وضو می‌گیرند تا برای **لقاء حق** با طهارت باشند.

حال در آن لحظات آخر حیات، حضرت چه عبادات و چه حالاتی داشته‌اند و چگونه آخرین زمزمه‌های عاشقانه خود را برای وصال یار می‌سروده‌اند، امری است که پیرامون آن در اسناد تاریخی چیزی نقل نشده است.

لحظات آخر حیات

در زمینه کیفیت گذران آخرین لحظات حیات طیبیه حضرت سجاد (علیه السلام) چند روایت وجود دارد که در دو قسمت قابل جمع بندی است.

۱- **ابوحزمه ثمالی** از حضرت ابی‌جعفر امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند: چون هنگامه وفات حضرت علی بن حسین (علیهما السلام) فرا رسید مرا به سینه خود چسبانید، و فرمود: ای پسرکم!! تو را به چیزی **وصیت** می‌کنم که پدرم به هنگام وفات مرا بدان وصیت فرمود و از آن چیزهایی که پدرشان ایشان را بدان وصیت کرده بودند این بود که فرمود: ای پسرکم از **ظلم** به کسی که علیه تو ناصری جز خداوند ندارد، بپرهیز و هرگز خود را به آن آلوده مساز.

[۲۶] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳، ح ۱۶، به نقل از اصول کافی.

[۲۷] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۱- از حضرت ابی‌الحسن (علیه‌السلام) نقل شده است که چون موقع وفات حضرت علی بن حسین (علیه‌السلام) فرا رسید بیهوش شد، سپس چشمان خود را گشود، سوره ادا وقعت الواقعة و انا فتحنا را قرائت کرد و بعد گفت: **حمد** خداوندی را که وعده خود به ما را راست گردانید و همه زمین (بهشت) را به ما میراث داد و ما از هر کجای **یهشت** که بخواهیم برای خود منزل اختیار می‌کنیم. پس چه خوب است اجر عاملین و کارکنندگان (اصل آیه چنین است: و قالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض ننبوء من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين؛

[۲۸] زم/سوره ۳۹، آیه ۷۴.

(سپس در همان لحظه قبض روح شد و دیگر هیچ نفرمود.

[۲۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، ح ۱۳، به نقل از اصول کافی.

[۳۰] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۸.

در روایت دیگری با همین مضمون آمده است که حضرت در موقع وفات سه مرتبه بیهوش شد و بعد به هوش آمده و در دفعه آخر این آیه شریفه **قرآن** را **تلاوت** فرمود.

[۳۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷، ح ۱، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی.

[۳۲] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۴.

و در روایت دیگری نیز آمده است: حضرت به هنگام وفات بیهوش شده و ساعتی در حال بیهوشی بودند. سپس پیراهن و پارچه‌ای که روی حضرت بود را کنار زده و فرمودند: الحمد لله الذي اورثنا الجنة ننبوء منها حيث نشاء فنعم اجر العاملين (این تعبیر احتمالا تصحیف راوی است چرا که آیه شریفه ۷۴ از **سوره زمر** بدین‌گونه نیست و در روایت دیگر آیه بصور کامل و صحیح نقل شده است.) و آنگاه فرمودند: قبر مرا حفر کنید تا بر زمین استوار و ثابت برسید. بعد پیراهن و یا پارچه‌ای که آنجا بود را بر روی خود کشیده و جلن به جلن آفرین تسلیم کردند.

[۳۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳، ح ۱۵، به نقل از اصول کافی.

[۳۴] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۵.

از آیه‌ای که حضرت در آخرین لحظات حیات خود تلاوت فرمودند به دست می‌آید اولا حضرت خود را در بحبوحه بهشت دیده و تملی آنها را تحت سیطره خود می‌یافتند و ثانیا تمام آرمان‌های خود را محقق و وعده‌های الهی در تحقق اهداف خود را صلیق دانسته و لذا با قلبی مطمئن به دیار باقی شتافتند.

قاتل

وفات حضرت علی بن حسین (علیه‌السلام) به اتفاق سیر منویسن در زمان خلافت **ولید بن عبدالملک** واقع شده است.

[۳۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲-۱۵۴.

بنابر آنچه **عمر بن عبدالعزیز** قضاوت کرده است ولید که عنصری جبار و بسیار ظالم بود با حکم شدن، زمین را از جور و ستم لبریز نمود.

[۳۶] سیوطی، عبدالرحمان بن ابوبکر، تاریخ الخلفاء، ص ۲۲۳.

در عهد حکومت او رفتار مروانین و کارگزاران آنها با دودمان **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) بنی‌هاشم** و بخصوص حضرت سجاد (علیه‌السلام) بسیار خشن و ظالمانه بود. والی مدینه **هشام بن اسماعیل** گرچه از زمان عبدالملک بن مروان مسئول اداره **شهر مدینه** بود ولی در عصر ولید بن عبدالملک رفتار بسیار ظالمانه‌ای با حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) داشت و هنگامی که به خاطر شدت مظالم و بد رفتاری‌هایش با اهل مدینه از منصب خود عزل شد، او را در کنار منزل مروان نگه داشتند تا مردم از او **فصلص** بگیرند. او خود معترف بود که از کسی جز علی بن حسین (علیه‌السلام) بیم ندارم، اما هنگامی که حضرت با جمعی از اصحاب خود از کنار او عبور کردند با توصیه ایشان، هیچ‌کس به او متعرض نشده و خود نیز از او شکایتی ارائه نکردند. در این حال بود که هشام فریاد زد: **الله اعلم** حیات یجعل رسالت.

و در روایت دیگری داریم که حضرت برای او پیغام دادند اگر از نظر مالی در مضیقه هستی، ما آنقدر توانایی داریم که نیاز تو را بر طرف کنیم.

[۳۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۵۵، ح ۵، به نقل از ارشاد.

[۳۸] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۴۷.

[۳۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۹۴، ح ۸۴، به نقل از مناقب.

[۴۰] این شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، ج ۳، ص ۳۰۱.

به هر حال در عهد ولید بن عبدالملک بر نوانگان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) بسیار سخت گذشت. یکی از مصائب عظیم در این مدت شهادت حضرت سجاد (علیه‌السلام) بزرگ بنی‌هاشم و آقا و سرور آنان بود.

اما در بین مورخین در اینکه قاتل حضرت چه کسی است اختلاف است، بعضی معتقدند حضرت به دست ولید بن عبدالملک مسموم گردیدند. و برخی دیگر معتقدند هشام بن عبدالملک که برادر خلیفه بود، حضرت را مسموم ساخت.

هشام همان شخصی است که عظمت وجودی حضرت سجاد (علیه‌السلام) را با همه وجود در جریان حج **خانه خدا** و استلام **حجر الاسود** دیده است. هنگامی که خود با همه جاه و حشمت چشم پر کن پادشاهی، نتوانست حجر الاسود را استلام کند و ببوسد، ولی حضرت سجاد (علیه‌السلام) که بوی عطر وجودش و هیبت الهی ایشان همه را مدهوش کرده بود، جلو آمده و همه مردم راه دادند و حضرت براحتی به استلام موفق گردیدند. آری به همین مناسبت **فرزوق** آن قصیده غرای خود را در کنار خانه خدا با صدای بلند قرائت نمود.

هشام از آن لحظه عداوت حضرت سجاد (علیه‌السلام) در دل انباشت تا بالاخره برای شهادت حضرت برنامهریزی نمود و برای مسمومیت ایشان اقدام کرد. اما این کار نمی‌توانست بدون آن و مشاوره با خلیفه ولید بن عبدالملک باشد.

به هر حال شهادت حضرت در این زمان واقع گردیده است. و خاندان مروان که مدیون بالاترین کرامت‌ها و محبت‌های حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) بودند، دست خود را به شهادت حضرت آلوده ساختند. خداوند متعال لعن و نفرین دائمی خود را نصیب آنان گرداند.

تشییع جنازه حضرت

حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) شخصیتی که با عملکرد انسانی و الهی خود، همگان را مجذوب خویش کرده بودند و با مجاهدات سی و پنج ساله خود آنچنان تصویر منور و متعالی از امامت در ذهن جامعه اسلامی ترسیم کرده بودند که بدیلی برای آن وجود نداشت. سرور فقیهان، زین‌العابدین، سیدالسادین، صاحب تمامی خوبی‌ها و خیرها، علی‌الخریر، مقتدای همه قراء مدینه که هیچکدام قبل از حضرت از مدینه برای حج خارج نمی‌شدند و پس از اینکه حضرت خارج می‌شدند هزار راکب به تبع ایشان، حضرت را همراهی می‌نمودند و بزرگی که بزرگوارهای او همه را حتی دشمنانش را تحت پوشش گرفته بود، آری مجسمه همه فضائل و کمالات، اینک توسط پلیدی از خاندان پلید مسموم گردیده است. روشن است که جو مدینه چگونه است و دوستان و شیعیان، علاقمندان و محبین، همه و همه در فراق این بنده برگزیده حق چه حالی دارند. خیر بسرعت در شهر پیچید و همه برای **تشییع جنازه** حضرت حاضر شدند. در تاریخ از **سعید بن مسیب** آمده است: فلما ان ملت شهد البر و الفاجر و اتی علیه الصالح و الطالح و انهال الناس یتبعونه حتی وضعت الجنازة.

چونکه حضرت وقت کردند هر نیکوکار و فاجری برای تشییع جنازه حضرت حاضر شد و نیکوکار و بدکار زبان به ستایش حضرت گشودند و سیل اشک از دیدگان همگان جاری بود در حالی که همه جنازه را مشایعت می‌کردند تا حضرت دفن گردیدند.

سعید بن مسیب می‌گوید: در آن روز به گونه‌ای همه مردم در تشییع حضرت خارج شده بودند و همگان در مراسم مشارکت داشتند که احدی دیگر در مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) باقی نماند.

[۴۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۰، به نقل از رجال کشی.

[۴۲] طوسی، محمد بن حسن، رجال کشی، ص ۱۳۴.

مدفن

حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) پس از ارتحال و انجام مراسم تشییع که جمیع اهل مدینه در آن مشارکت داشتند، در بقیع که قطعه زمینی است بسیار مبارک و قبور بسیاری از اولیاء خداوند، زوجات پیامبر، مادر مکرمه حضرت امیرالمؤمنین فاطمه بنت اسد و بسیاری از صحابه پیامبر و تعدادی از شهدای صدر اسلام در آن واقع است، در کنار مضجع حضرت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) عموی بزرگوارشان مدفون گردیدند.

[۴۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، ح ۱۰، به نقل از کشف الغمه.

[۴۴] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.

[۴۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۴، به نقل از تنکرة الخواص.

[۴۶] سبط بن جوزی، یوسف بن حسام‌الدین، تنکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۹۹.

این قطعه از بقیع که در آن علی بن ابی طالب عموی پیامبر نیز مدفون بوده و بعداً حضرت امام صادق و امام باقر (علیهما‌السلام) نیز مدفون گردیدند، داری قبه و بارگاه بوده ولی به دست فرقه وهابیت، تخریب گردیده است.

وصیت

حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) که مظهر تام رحمت الهی نسبت به همه خلایق بودند، دایره محبت و عطف‌فتشان، حیوانت را نیز شامل می‌شد. حضرت شتری ماده داشتند که بر اسلح بعضی از روایات بیست و دو مرتبه با او به حج رفته بودند. اما در تمامی این منت با وجود اینکه تازیانه مخصوصی را به رحل و محمل خود آویزان می‌کردند ولی حتی یک ضربه هم به او نزده بودند.

در شب ارتحال، حضرت سفارش این شتر را نمودند که بعد از ایشان مورد رسیدگی قرار گیرد.

اما پس از واقعه جانگاز ارتحال حضرت چیزی نگذشت که این شتر از چراگاه خود، یکسر به سوی قبر مطهر حضرت آمد در حالی که هرگز قبر را ندیده بود آنگاه خود را به روی قبر انداخت و گردن خود را بر آن می‌زد و چشمه‌پاش از اشک سرازیر شده بود و مرتب ناله می‌کرد.

خبر را به حضرت محمد بن علی، امام باقر (علیه‌السلام) رساندند. حضرت آمده و به او گفتند: آرام باش، الان بلند شو، خدا تو را مبارک گرداند.

او بلند شد و به جای خود برگشت ولی پس از آنکی باز به قبر برگشت و کارهای قبل را تکرار کرد. این دفعه حضرت آمدند و به او آرام باش دادند و گفتند: برخیز ولی بلند نشد. و لذا فرمودند: او را رها کنید!! او وعده داده شده است. از این‌رو سه روز نگذشت که او از دنیا رفت.

[۴۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷-۱۴۸، ح ۲-۴، به نقل از بصائر الدرجت و اختصاص.

[۴۸] صفا قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجت، ج ۱، ص ۳۵۳.

[۴۹] مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۳۰۰.

پانویس

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، ح ۱۰، به نقل از کشف الغمه.
۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۴، ح ۱۷، به نقل از تنکرة الخااص.
۴. سبط بن جوزی، یوسف بن حسام‌الدین، تنکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۹۸.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، ح ۱۰.
۶. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹.
۷. طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتهد، ص ۷۸۷.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳.
۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، ح ۱۴.
۱۲. ابن‌اثیر، عز‌الدین، الکامل، ج ۴، ص ۲۳۸.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، ح ۱۴، به نقل از اصول کافی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۸.
۱۵. امین، سیدمحسن، اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۹.
۱۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.
۱۷. کفعمی، ابراهیم، المصباح، ص ۵۰۹.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲.

۱۹. ↑ طوسی، محمد بن حسین، مصباح المتعجب، ص ۷۸۷.
۲۱. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۸، ح ۴، به نقل از اختصاص و بصائر الدرجت.
۲۲. ↑ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجت، ج ۱، ص ۴۸۳.
۲۳. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۹، ح ۷، به نقل از خرائج.
۲۴. ↑ راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۷۳.
۲۵. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۹، ح ۷، به نقل از الخرائج.
۲۶. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳، ح ۱۶، به نقل از اصول کافی.
۲۷. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۱.
۲۸. ↑ زم/سور ۳۹، آیه ۷۴.
۲۹. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، ح ۱۳، به نقل از اصول کافی.
۳۰. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۸.
۳۱. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷، ح ۱، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی.
۳۲. ↑ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۴.
۳۳. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳، ح ۱۵، به نقل از اصول کافی.
۳۴. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۵.
۳۵. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲-۱۵۴.
۳۶. ↑ سیوطی، عبدالرحمان بن ابوبکر، تاریخ الخلفاء، ص ۲۲۳.
۳۷. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۵۵، ح ۵، به نقل از ارشاد.
۳۸. ↑ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۴۷.
۳۹. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۹۴، ح ۸۴، به نقل از مناقب.
۴۰. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۱.
۴۱. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۰، به نقل از رجال کشی.
۴۲. ↑ طوسی، محمد بن حسن، رجال کشی، ص ۱۳۴.
۴۳. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، ح ۱۰، به نقل از کشف الغمه.
۴۴. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.
۴۵. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۴، به نقل از تنکرة الخواص.
۴۶. ↑ سبط بن جوزی، یوسف بن حسام‌الدین، تنکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۹۹.
۴۷. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷-۱۴۸، ح ۲-۴، به نقل از بصائر الدرجت و اختصاص.
۴۸. ↑ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجت، ج ۱، ص ۳۵۳.
۴۹. ↑ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۳۰۰.

منبع

باز نویسی توسط گروه پژوهشی ویکی فقه، تاریخ: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳.

رده‌های این صفحه: [تاریخ زندگانی امام سجاد](#) | [شهادت امام سجاد](#)